

سبک‌رنگی



کرونا به ما می‌گوید قدر با هم بودن را بدانیم

حسرت دم‌پختک و دورهمی‌های ساده و صمیمی

مهرضیاءمیری
یکی از خاطرات شیرین کودکی هر یک از ما آدم‌ها متعلق به ایامی است که خانواده‌هایی دغدغه دور هم جمع می‌شدند و یک روز تعطیل را کنار هم تا شب می‌گذراندند. گاهی با هم بیکنیک می‌رفتند و بچه‌ها از فرط خستگی بیهوش می‌شدند. نمی‌دانم چطور آن وقت‌ها کارکردن آدم‌ها را خسته نمی‌کرد و همیشه دید و باز دید اقوام، بخشی از برنامه‌های هفتگی خانواده بود. از من بپرسید، می‌گویم قدیم‌تر اگر سفرها برکت داشت به یمن همین مهمان‌های سرزده‌ای بود که دور هم جمع می‌شدند، برکت داشت، چون بجا آوردن چنین حسنه است و خدا از دستورات مورد تاکید دین اسلام استله و خدا به این امر زیبا سفارش بسیاری کرده است، ولی کم‌کم آدم‌ها در زندگی ماشینی خود گم شدند. آدرس خودشی‌ها و دورهمی‌ها را در تقویم زندگی گم کردند و خیلی‌ها فراموش کردند آخرین بار چه زمانی با هم شامی صمیمانه خورده‌اند. صله رحم وقتی کم‌رنگ شد که قداشتر را از دست داد و دیگر اولویت اصلی خانواده به حساب نیامد. وقتی کم شد که پای ماهواره و تلویزیون و فضای مجازی به خانه‌ها باز شد و آدم‌ها حتی در خانه خودشان هم گاهی دلتنگ گفت‌وگو با یکدیگر می‌شوند. گفت‌وگوهای این گزارش در دناک است، همه با حسی مشترک از دورشدن و فاصله گرفتن‌های فامیلی و خانوادگی یاد می‌کنند و سعی دارند برای آن توجیهی بتراشند. ■ ■ ■

■ با این خستگی مگر می‌شود مهمان دعوت کرد؟

– **فاطمه علوی / ۳۴ ساله / کارمند**

در مترو او آویزان به میله‌های وسط واگن سعی دارد ایستاده چرتی بزند تا برای ادامه روزش که قرار است در خانه و کنار اهالی خانه بگذرد، انرژی خود را باز یابد. بی‌مقدمه از او می‌پرسم نظرت درباره صله رحم چیست؟ اهی از درون به روی لب‌هایش می‌نشیند و با اندوهی که در کلامش جاری شده، ادامه می‌دهد: پادش بخیر. این کلمه من را یاد گذشته‌ها می‌اندازد. وقتی جمعه‌ها خانه مادربزرگم جمع می‌شدیم و سفرهای پهن می‌شد به وسعت حیاط. آندر سرگرم بودیم که گذر زمان حالیمان نمی‌شد. هر کسی یک همزبان و همسن

سبک‌رفزار

■ مهد به عظیم‌لو

خورشیدی که گرما و انرژی بی‌حدش را نثار همه موجودات می‌کند، برایش فرقی ندارد که به بیابان لم‌بزغ می‌تابد یا دشتی سرسبز و پر از گل‌های رنگارنگ، جوباری که در مسیر حرکت خود از درخت تنومند تا نهال کوچکی را سیراب می‌کند، باران رحمت نازل شده از آسمان که حال و هوای تازهای، به همه موجودات می‌بخشد، مادی که با دل و جان از فرزند خود محافظت و مراقبت می‌کند و از عشق و شیره وجودی خود نثار فرزندش می‌کند و… همه اینها نشان از محبت و مهربانی دارد که از ذات حق تعالی سرچشمه می‌گیرد. انسان‌ها در زندگی همواره با نشانهای گوناگون مواجه هستند. انتخاب اینکه فردی مثبت و مهربان باشند و با پذیرش این خصیصه از خودشان در ذهن دیگران تصویری نیکو باقی بگذارند یا تصویری منفی که باعث آزرده خاطرشدن دیگران می‌شود. در یک کلام اصل و اساس تعریف مهربانی را می‌توان اهمیت خالصانه‌ای دانست که نسبت به دیگران قائل هستیم. اینکه بهترین را برای دیگران بخواهیم و بدانیم آنها همان خواسته‌ها، نیازها، انگیزه‌ها و حتی همان ترس‌هایی را دارند که خودمان داریم و از همه مهم‌تر اینکه بدون هیچ‌گونه توقعی این احساسات را نثار دیگران کنیم.

برای خودش دست و پا می‌کرد و یک گوشه مشغول بود. گاهی از شدت خستگی نرسیده به خانه در ماشین خوابمان می‌برد. زن‌ها مشغول تدارکات پذیرایی بودند و مردها مشغول گپ‌های خودشان. آن روزها همه چیز رنگ و بوی صداقت و سادگی داشت. تعداد بچه‌ها زیاد بود، ولی خانواده‌ها حوصله‌شان از الان بیشتر بود. شاید به قول مادر به خاطر تغذیه سالم، اعصاب راحت و خواب کافی است. من الان نه به اندازه می‌خوابم و نه غذایم سالم است. فقط مثل ماشین صبح تا شب می‌دوم و گاهی آنچه از من به خانه می‌رسد یک جسد متحرک است. چطور می‌شود وقتی خودم حال ندارم، وقتی خودم کمبود خواب دارم و چشم من‌رسد یک جسد متحرک است. چطور می‌شود که آن هم مهمانی‌های امروزی که از دو شب قبل باید تدارک دید؟ واقعا زندگی ماشینی و بدبودهای خسته‌کننده و گاهی الکی، مجالی برای دورهمی نمی‌گذارد. تصویر مردم نیست. این شرایط است که به آنها تحمیل شده است.

■ چشم و هم‌چشمی مانع صله‌رحم است

– **مسئانه علی‌محمدی / دانشجو**

این روزها چشم و هم‌چشمی مانعی برای صلح شده است. اگر قدیم به آن تأکید می‌شد به این دلیل بود که گره بسیاری از مشکلات باز می‌شد و اقوام را یکدیگر باخبر می‌شدند. برای صلح نرم‌نمای رنگ و تعداد غذاهای سفره مهم باشد. نباید با تجملات و خرج تشریفاتی بیهوده میزبان بشیمان از دعوتش بشود. مردم قدیم جنبه دورهمی داشتند، حالا اگر بخوایم یک مهمانی مختصر

بدهیم، باید جدای از مسائل مالی از یک هفته قبل به آن فکر کنیم. باید برگردیم غناهای جدید پیدا کنیم. دسرهای جدید چشم‌کورکن یاد بگیریم و اگر مثلاً زن‌عمو زلمانش دو رنگ بود ما برای روکم کنی سه‌رنگ درست کنیم. مهمانی‌های امروز اصلاً سر دوستی نیست و یک جور به رخ نشیندن شرایط و سلیقه‌ها است. مدام باید مراقب باشی، حرفی زنی که مهمانت دلخور شود. یا خبری از نصیحت و داستان عبرت‌آموز و انتقادهای گذشته نیست. در اغلب مهمانی‌های حالا باید رویه‌روی مهمان بنشینی و در چشم‌هایش زل‌زبنی و از خودش با بچه‌هایش تعریف و تمجید کنی.

مادر من وقتی مهمان داریم به پدرم غصه می‌زند که ظرف‌هایش برای پذیرایی تکراری شده و هر چه روز

سبک‌رنگی

سبک‌رنگی ۸۸۶۹۴۷۱

درد

قدیمی‌ها از بودن کنار هم لذت می‌بردند، ولی ما مدام با حرف‌ها و کنایه‌مان یکدیگر را آزار می‌دهیم. بچه‌ها حوصله یک‌جا ماندن ندارند و خیلی از آنها مدام سرشان در گوشی و تبلت است. بچه‌های تک‌فرزند که دیگر تنهایی مونس‌شان شده و اوضاع‌شان وخیم‌تر است. آنها دورهمی فامیلی برایشان عین کابوس است. تا چند سال دیگر بچه‌های ما بزرگ می‌شوند و بدون خواهر یا برادر، همین اندک مرادوات فامیلی هم ناپود می‌شود

اگر سرزده بیایند، دلخوری شوم. من برخلاف پدرم اصلاً از رفت‌وآمد خوشم نمی‌آید. شاید چون طعم این گشاده‌روی‌ها را در خانه پدری چشیده‌ام و هر وقت مهمان اراده کنند زنگ‌خانه را می‌زند. زندگی‌های الان به لحاظ مالی برای جوان‌ها بسیار دشوار است. همین که ما بتوانیم نیازهای غذایی یک دانه‌فرزندمان را برآورده کنیم هنر بزرگی است. چطور می‌شود به رفت و آمد فکر کرد وقتی هر مهمانی کاملاً ساده و در حد پذیرایی به صرف چسای و میوه هم بسالی ۱۰۰ هزار تومان آب می‌خورد؟ چطور می‌شود با این هزینه‌های سنگین غذای ابرومند جلوی مهمان گذاشت؟ اصلاً بعضی از ما آنقدر خانه‌هایمان کوچک است که بزرگ‌ترهای فامیل سالی یکبار برای بازدید عید فقط می‌آیند. من برای یک دورهمی ساده باید از شکم چندروزه بچهام بزنم و سختی به جان بخرم. حالا به نظر شما منطقی است که طرفدار مهمانداری باشیم؟ از طرفی وقتی خودم چنین شرایطی دارم دیگران را هم در کم کرده و بالطبع رفتن‌هایمان کم می‌شود.

او می‌گوید قدیمی‌ها از بودن کنار هم لذت می‌برد، ولی ما مدام با حرف‌ها و کنایه‌مان یکدیگر را آزار می‌دهیم. بچه‌ها حوصله یک‌جا ماندن ندارند و خیلی‌شان مدام سرشان در گوشی و تبلت است. بچه‌های تک‌فرزند که دیگر تنهایی مونس‌شان شده و اوضاع‌شان وخیم‌تر است. آنها دورهمی فامیلی برایشان عین کابوس است. تا چند سال دیگر بچه‌های ما بزرگ می‌شوند و بدون خواهر یا برادر، همین اندک مرادوات فامیلی هم ناپوید می‌شود.

– **آزاده رحمانی / ۳۰ساله / خانه‌دار**
او می‌گوید پدرش ساکن شهرستان است و رابطه بسیار صمیمی با عمویش دارد. آنها هنوز به سبک قدیم رابطه‌شان را حفظ کرده‌اند و خانه‌پسدری‌ام هر دقیقه میزبان یکی از اقوام است. می‌گوید اگر دو روز پدرم را نبیند، نگرانش می‌شود و بی‌توجه به وجود موبایل و اینترنت و… حضوری سراغش را می‌گیرد. هر وقت لازم باشد به یکدیگر پول قرض می‌دهند و بی‌منت گره خود و بچه‌هایشان را باز می‌کنند، ولی من ساکن شهر هستم، خبری از این عادت‌ها نیست. اگر برای مهمان دم‌پختک یا ماکارونی درست کنم به او برمی‌خورد یا خودم می‌ترسم که پشت سرم حرف و حدیث باشد. این است که میلی به مهمانی‌های یک‌هوپی ندارم. اخلاق را می‌دانند که

در بعد اجتماعی، یکی از معضلات جامعه ایرانی امروز وجود اندیشه، باور و منفعت‌طلبی فردگرایانه‌ای است که متأسفانه به شکل یک بیماری واگیردار در کشورهای در حال توسعه شیوع پیدا می‌کند. این طرز فکر قدرگرایی و دنیاطلبی میل انسان را به سوی آرامش و آسایش بیشتر شخصی تشویق کرده و در مقابل سخت‌کوشی‌های جمعی قرار می‌گیرد. وجود جامعه ایرانی نیز توانسته‌اند از شکل‌گیری برخی خرافات و عقیده‌های غیرسازنده در تمدن‌های آینده‌ساز بتوانند آن را به شکل عملیاتی به‌کار گیرد؟ لازم است کتب درسی دوران ابتدایی و مقاطع بالاتر را بازنویسی کنیم و عناصر مهم کار جمعی را از ادبیات غنی رسوخ و شیوع چنین تفکراتی در کشورهای می‌شد» یا «به دیگران اعتماد نکن» و امثالهم. خوب بود خدا هم برای خودش شریک قائل می‌شد» یا «نه گروهی توصیه می‌کنند و نه کار دسته جمعی در جوامعی که نیاز به تقویت روحیه فعالیت‌های غیرسازنده در این امر دارند که می‌تواند به این مانع اضافه شود و به آن دامن بزند. در سال‌های گذشته بسته‌های حمایتی به مردم ارائه شد از جمله حمایت‌از مشاغل خانگی و صنایع کوچک. البته فرهنگ کار و تولید خوب و مهم است، اما روحیه کار جمعی هم به شدت تضعیف شده که گرایش به تشکیل بنگاه‌های کوچک هم زیاد شد. در حال حاضر الگوهای موفق کار گروهی کمتر معرفی

ارائه می‌شوند و الگوهای موجود، رفتارهای اجتماعی و نحوه تقسیم امکانات برای برخی فعالیت‌های تولیدی و… همگی مبین این است که کار فردی مناسب‌تر است! حلقه‌های فراوان ولی غیرمرتبط از چرخه خرید مواد اولیه، تولید، فروش و واسطه‌گری تشکیل شده که به‌طور مجزا در بازار خود فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به رونق بازار بورس اشاره کرد که سرمایه‌گذار ی هر چند جمعی، ولی در واقع سرمایه‌گذار ی هر چند جمعی، کسب و سود و منفعت‌انفرادی انجام می‌شود. در بعد اقتصادی، مشاهده می‌کنیم که بزرگان و نخچیان جامعه از کار جمعی بهره‌مند می‌شوند، ولی منافع کار جمعی اصلاً تقسیم نمی‌شود. معمولاً گروه‌های موفق جامعه معرفی و تشویق نمی‌شوند بلکه صرفاً افراد به صورت فردی موفق مورد تشویق قرار می‌گیرند. در زمان دفاع مقدس فرهنگ جنگ روحیه فعالیت دسته‌جمعی را بین رزمندگان تشویق می‌کرد، ولی در بطن و سطح جامعه نشسو و نما پیدا نکرد و این همیاری و از خودگذشتگی و اقدامات تخصصی با اندک امکانات موجود آن زمان به عنوان الگوهای موفق مطرح نشد. امروز برخی فعالیت‌های جهادی توسط دانشجویان با سیج سازندگی در روستاها و مناطق محروم صورت می‌گیرد بدون اینکه تبلیغ شود و به چند برنامه مستند اکتفا می‌شود. البته نمونه کار جمعی را می‌توان در باندهای اختلاسگر که زنجیره‌ای و دسته جمعی به اقدامات فساد و خارج از عرف و اخلاق پرداخته‌اند، مشاهده کرد که متأسفانه همین موضوع هم به‌ترویج باور غلط و وجود حس عدم امنیت اقتصادی در جامعه و فرهنگ کار انفرادی دامن می‌زند. فلذا، در حال حاضر شاهد فقدان رویه و معرفی الگوی موفق به جامعه هستیم. خصوصاً در وضعیت اقتصادی موجود

معنای می‌کنند.

ضرب‌المثلی قدیمی هست که می‌گوید: «از هر دست که بدهی از همان دست هم پس می‌گیری»، مطالعات نشان داده آنها که مهربان‌ترند، شادتر هستند. همچنین تأثیرات مثبتی که مهربانی بر سلامت افراد می‌گذارد از نظر فیزیولوژیکی و روحی یک اثر مثبت سه‌جته است. نتایج تحقیقات و پژوهش‌های محققان و اندیشمندان این حوزه کاربردی حکایت از این امر دارد که تأثیر مثبت مهربانی بر شخص مهربان بیشتر از فرد دریافت‌کننده مهربانی است. به عبارت بهتر مطالعات نشان می‌دهد که شخص مهربان از طرف مقابل خود یعنی فرد گیرنده مهربانی خوشحال‌تر است و جالب‌تر اینکه عمل مهربانه بیشترین تأثیر را روی فردی دارد که به صورت اتفاقی شاهد این ماجرا بوده است. خداوند متعال در کتاب آسمانی قرآن کریم در ۲۰۰ آیه در رابطه با مهربانی انسان‌ها با یکدیگر تأکید کرده و سخن می‌گوید. در برخی از پیام‌ها قرآن در مورد محبت، عشق و مهربانی به عنوان مهم‌ترین رکن زندگی بشری اشاره شده است. فرجام سخن اینکه مرگ انسان از رگ گردنش به از نزدیک‌تر است. پس چه نیکی می‌شود که آدم‌ها از خود در این دنیا در میان دیگران صفات خوب و پسندیده‌ای مثل مهربانی به یادگار بگذارند تا همیشه خاطرشان در ذهن‌ها به نیکی یاد شود.

درد

در بهترین حالت ایجاد فرهنگ کار جمعی نیاز به ایجاد بستتر و پایه‌های آموزشی در سنین کودکی و نوجوانی دارد

سبک همکاری



از فقدان فرهنگ کار گروهی آسیب می‌بینیم

فردهایی که هیچ‌گاه جمع نمی‌شوند!

■ محمدرضا سهیلی‌فر

انسان‌ها در بطن زندگی اجتماعی خواست‌ها و نیازهای مشترکی دارند که شیوه برطرف کردن آنها به دلیل پیچیده‌شدن روابط اجتماعی جز از راه تقسیم کار و انجام کار گروهی میسر نمی‌شود. بسیاری از نهادها و سازمان‌هایی که می‌توانند در زمینه فرهنگسازی و تسهیل روابط بین‌احاد یک جامعه نقش داشته باشند نیز جز با روحیه همکاری و ایجاد شبکه‌ا ارتباطات اجتماعی موفق نخواهند شد، اما چرا فرهنگ انجام کار گروهی در ایران ضعیف‌است؟

شنیدن چنین اخبار رسمی موجب بدبین‌تر شدن مردم نسبت به یکدیگر شده و این حس ناامنی و منفی‌گرایی به نسل کودک و نوجوان هم سرایت می‌کند.

در بعد فرهنگی و آموزشی، مدارس ما مقدر در ایجاد کارهای اجتماعی و فکری بابت اهمیت کار جمعی در بین محصلین موفق بوده‌اند؟ چند درصد از مربیان می‌توانند ایسن مقوله را برای دانش‌آموزان آموزش‌اندازه‌ساز بتوانند آن را به شکل عملیاتی به‌کار گیرد؟ لازم است کتب درسی دوران ابتدایی و مقاطع بالاتر را بازنویسی کنیم و عناصر مهم کار جمعی را از ادبیات غنی رسوخ و شیوع چنین تفکراتی در کشورهای می‌شد» یا «به دیگران اعتماد نکن» و امثالهم. خوب بود خدا هم برای خودش شریک قائل می‌شد» یا «نه گروهی توصیه می‌کنند و نه کار دسته جمعی در جوامعی که نیاز به تقویت روحیه فعالیت‌های دسته جمعی از طریق آموزش و ایجاد انگیزه از دوران دبستان دارد. عواملی مانند: سنت‌های اجتماعی تاریخی، نظام حقوقی، نظام اخلاقی، سیستم آموزشی و… از عوامل مهم تضعیف روحیه کار جمعی در ایران هستند. بنابرین، در بهترین حالت ایجاد فرهنگ کار جمعی نیاز به ایجاد بستر و پایه‌های آموزشی در سنین کودکی و نوجوانی دارد. همچنین برای اینکه برنامه‌های آموزشی بهتر اجرا شود و به نتیجه مطلوب رسید، باید از نخچیان جامعه‌شناسی، روانشناس اجتماعی و متخصصانی که در این حوزه صاحب‌نظرند، مشورت گرفت، زیرا رفتار شناسی فردی و اجتماعی و چگونگی الگو پذیری یک فرد یک امر کاملاً تخصصی است.

در بعد خانوادگی، الگو گرفتن فرزندان از والدین هم تأثیر مستقیمی در ایجاد چنین زیرساخت فرهنگی دارد. ولی مشکلاتی وجود دارد. چند درصد از مردم فواید کار گروهی را می‌شناسند؟ چند بار با روش ایجاد یک گروه کاری آشنایی دارند؟ در بعد رسانه‌های جمعی، ایراد به رسانه‌های گروهی هم وارد است که به قدر کافی مروج فعالیت‌های گروهی نبوده‌اند. اگر دقت کنید، برنامه‌های تلویزیونی در حمایت از تولید داخل، بیشتر روی کارفرینی و کسب کار‌های کوچک فردی متمرکز هستند، اما برنامه در باره بررسی امکان همکاری و تدوین استراتژی مشترکی برای همگرای و هم‌افزایی شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک و مثلاً به منظور افزایش قدرت رسوخ به بازارهای منطقه به ویژه در شرایط تحریمی کمتر به چشم می‌خورد. در برخی کشورهای غربی با خیار دور وقتی می‌خواهند موضوع عقیدتی یا فرهنگی را در بین مردم بسترسازی کنند، از رسانه‌های ارتباط جمعی بالاخص رسانه‌های تصویری بهره می‌گیرند. مدل و نمونه‌هایی را در قالب تصویر به نمایش در آورده و فواید و نتایج آن را به‌صورت القای ذهنی از طریق تصویر آموزش می‌دهند. این شیوه برای آموزش‌های صحیح و بسترسازی و در نهایت جلب نظر عموم مردم یکی از بهترین راه‌هاست، در عین اینکه مکمل فرایند آموزش در مدارس و الگوسازی والدین هم خواهد بود.

آموزش و آموزنده‌خوب و دولتی انقلابی و الگوساز، سه الزام گسترش فرهنگ کار جمعی در کشور است تا جامعه به حس امنیت برسد و در مواجهه با فضای کار و خرد جمعی، حالت دفاعی به خود نکیرد. باور این اصل و اعتقاد پیدا کردن به آن مستلزم گذشت زمان و دیدن حسن نیت‌های اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است. در این مفهوم، اعضا نقاط ضعف یکدیگر را پوشش می‌دهند و هیچ‌گاه ضعف‌ها باعث آسیب‌پذیر شدن اعضا نمی‌شود.